

اکتشافات تازه تخت جمشید

بقلم پروفیسور ارنست ہرتسفلد

در اواخر سال ۱۹۳۰ مؤسسہ شرقی او نیورسیتہ شیکاگو در امریکا جناب پروفیسور ارنست ہرتسفلد دانشمند ایران شناس آلمانی را کہ معروف هموطنان ما هستند دعوت کرد کہ در تخت جمشید فارس بمرمت آثار باقیہ و حفر اطلال ہمت گمارزد .

ریاست این مؤسسہ با پروفیسور ج . ا . ہ . بریستد است و یگانہ مرکزست کہ بروشن سخن تاریخ و کشف آثار قدیمہ ممالک آسیای غربی ہمت گماشتہ و با صرف مبالغ گزاف در دوازده نقطہ بحفریات و استکشاف پرداختہ است . مدتست کہ پروفیسور ہرتسفلد از جانب این مؤسسہ در تخت جمشید مشغول کار هستند و امروز در نتیجہ دو سال زحمت بکشف آثار تازه ای توفیق یافته اند کہ باعتبار مطالعین در ردیف بہترین یادگار ہای صنعتی دنیای قدیمست و بنا بر خبری کہ اخیراً رسیدہ چندین لوح بخط عیلامی نیز کشف کردہ اند کہ حاکی از تاریخ سیاسی و اسناد دولتی دورہ ہخامنشی است . ما ذیلا مقالہ ای را کہ پروفیسور ہرتسفلد در باب اکتشافات جدید تخت جمشید در مجلہ اخبار لندن، منتشر ساختہ و دانشمند محترم آقای رشید یاسمی بخواہش ما لطفاً ترجمہ فرمودہ اند با چند تصویر از آثاری کہ جدیداً از زیر خاک بیرون آمدہ و مربوط ہمین مقالہ است بنظر خوانندگان محترم می‌رسانیم .

از آنجا کہ دولت شاہنشاهی ایران کاملاً متوجہ لزوم حفظ آثار با شکوہ ایران باستان در ریسپوئیس (تخت جمشید) بود اجازت این عمل را بشعبہ شرقی دارالعلوم شیکاگو تفویض نمود . دو سال قبل در بہار سنۃ ۱۹۳۱ میلادی دست بکار زدہ شد . دلیل حسن توجہ و علاقہ دولت ایران با حیاء آثار قدیم این است، کہ شخص اعلیحضرت شاہنشاهی در ۲۸ اکتبر ۱۹۳۲ بتخت جمشید تشریف قدیم ارزانی داشتہ و پس از ملاحظہ کارها اظہار تمجید نمودہ و بوسیلہ عامل حفریات از خدمات علمیہ مؤسسہ شرقی شیکاگو ابراز خرسندی فرمودند .

مقصود از کارہائی کہ در تخت جمشید میشود سہ چیز است اول کشف بنیان تمام قصور داریوش و خشایارشا و اردشیر ہخامنشی دوم مرمت و تجدید بنای یکی از قصور تا نمونہ طرز معماری عہد باستانی ہخامنشیان باشد . برای این منظور حرم خشایارشا اختیار شد کہ بہتر از دیگر عمارات مصون از خرابی ماندم و در سطح عمومی اینہ مکانی شایستہ تر دارد . مرمت این بنا اکنون انجام یافته و جز بعضی دستکاری-

های داخلی چیزی باقی نیست. سوم صیانت ابنیه و نقوش بوسیله باز کردن مجاری سابقه فاضل آب زیر زمینی و حفظ کلیه آثار از صدمه برف و باران و تطاول انسان.

در زیر آواری که کشف عمارات را مستور داشته بود چندان آثار معماری و حجاری مدفون گشته که بتصور کسی نهمیرسید. بیشتر خاك و آواری که انباشته شده از دیوار های آجری است که در طول بیست و پنج قرن فرو ریخته و بر هم توده گشته است. مقدار آجرکاری این عمارات از حیث حجم و طول خیلی بیش از میزانی است که تا حال می پنداشته اند و عظمت تلی که از فرو افتادن آنها پیدا شده است بر این دعوی شاهدی عدل است. بعلاوه جمله سکوی بزرگ خیلی طویلترا از آن است که تا حال گمان میرفت. نخستین عمارت عظیمی که بریاست و آن را آیادانا یا قصر بار عام میگفته اند در روی سکویی با ارتفاع سه گز بنا شده است. پله وسیع و مجملی که از اره آن منقش بحجاری های بسیار است شخص را باین قصر هدایت میکند و نیز دورشته پله بانقوش بسیار کشف شده است با ارتفاع پنج گز که بعمارت و قصوری که اقامتگاه عادی بوده می رود. با اکتشاف این دو پله جدید دودسته نقوش برجسته و دلپسند بطور ناگهان مکشوف گردید.

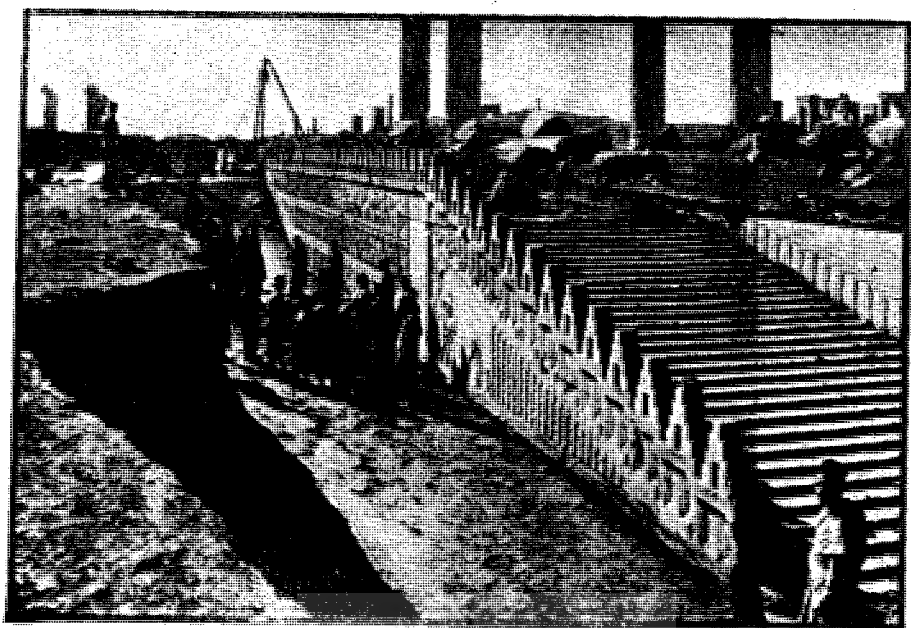
در بالای تمام نقاط مرتفع عمارت خواه محجر پله ها و خواه حاشیه علیای دیوارها کنگره های بسیاری ساخته شده است بسبب قدیم قلاع جنگی آشوریان، که بعد در معماری آشوری یکی از تزئینات ابنیه محسوب شده و در ساختمان های اسلامی تمام مشرق زمین اثر آن نمایان است. در مثالی که از خط صعودی پله ها و سطح زمین تشکیل میشود همه جا تصویر شیری ساخته اند که بگاوی حمله برده است. سرشیر بنا بر شیوه حجاری سومریان کاملاً از رو برو پیدا است. این نقش شیر و گاو را می توان علامت رسمی دولت هخامنشی دانست که حاکی از يك مطلب نجومی و مأخوذ از احکام بابلیان است. منشاء علامت شیر و خورشید جدید ایران از اواخر قرون وسطی است. معدک آن هم از یکی از علائم نجومی مأخوذه از بابل حکایت میکند.

قصر بزرگ آیادانا که محل بار عام بوده و این نام را بتقلید آیادانای شوش که امروز بکلی مطموس است و ضعا بر آن نهاده اند دارای پله است بطول نود گز که سه جدار آن مستور از نقوش حجاری است. در ضلع اعظم که در سمت یسار و طرف جنوب واقع است تصویر جمعی کثیر از خراج دهندگان نقر شده است. نمایندگان بیست و هشت قوم از ملل تابعه دولت شاهنشاهی ایران دیده میشوند که صاحب بار به نوبت آنان را بحضور می برد. این نمایندگان تحف و هدایای عید نوروز را در پیشگاه عرضه میکنند. خراج دهندگان را در سه مرتبه نقش کرده اند. هر ملتی در مکان خاصی ایستاده و میان هر گروه و گروه دیگر سروی حجاری شده است که درخت مخصوص نواحی جنوب ایران است. در سمت یمین جناح شمالی پله قراولان قصر دیده میشوند که بعضی مسلح و برخی بی سلاح و بهیئت تماشاچیان بوضعهای مختلف ایستاده اند. گوئی بایکدیگر سخنی می گویند. فوج گارد مرکب بوده است از پارسیان و مادبان

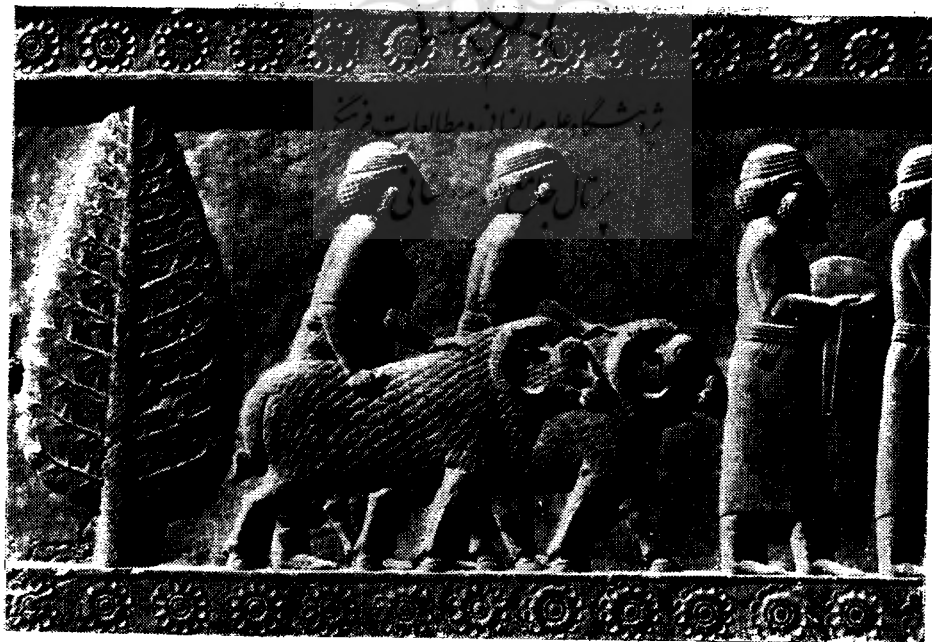
مجسمه گاو با سر انسان



یکی از بزرگترین آثار قدیمه که جدیداً در تخت
جمشید کشف شده مجسمه گاو بیست که سر انسان دارد
و تاجی بر سر اوست.



ضلع شمالی بلکان آیادانا یا قصر بار عام - غالباً کنگر های این بلکان در اثر زلزلهای مکرر
 فرو ریخته بوده است و آنها را باجر تقیلهای مخصوص بار دیگر بجای انسانی خود گذاشته اند



نصیر سفرای کلکیه است که حامل هدایایی برای شاهنشاه ایرانند و از جمله هدایای ایشان
 در از آنچه در دست دارند دو رأس قوجسب

و شوشیان که آنان را ده هزار جاودانی میگفته اند و شماره آنان را پیوسته ثابت نگاه میداشته اند. در پایان صف اول قراولان دو عربه اسبی نقش شده است. بنا بر روایت هرودوتس اینها عربه های اهو را مزدا و پادشاه هستند که بهر يك هشت اسب اصیل می بسته اند از اسبان رمة خاص هما یونی که پرورشگاه آنان نیسایه نزدیک شهر کرمانشاه بوده است. آخور سالاران يك اسب سواری که تقدیمی مختص شاه است می برند و خده تکاران دیگر اسلحه جنگی او را برداشته اند. بیست و هشت قومی که ذکر شد عبارت از بیست و هشت ساتراپی ایران باستان است که از فرغانه در سمت شمال شرقی تا حبشه در جانب جنوب غربی و از بالکان در طرف شمال غربی تا سند در ناحیه جنوب شرقی گسترده بوده است. بعضی از ساتراپی های بزرگ مشتمل بر چندین قوم و ملت است. هر چند خطی و کتیبه ای که حاکی از اسامی آنان باشد در دست نیست لکن نظر بشباهتی که میان برخی از این تصاویر با نقوش اقوامی که در مقبره شاهمی حامل تخت هستند موجود است میتوان قومیت آنان را حدس زد زیرا که حجاران ایران در زمان های قدیم ملیت آن ها را معلوم کرده اند. معدودی از آن ها مثل مردم سوریه و فنیقیه و کالیکیه را با تطبیق با تصاویر آثار ممالک دیگر می توان تشخیص داد.

تحفه و پیشکشی که همراه دارند عبارت است از اسب و اشتر و گاوانی از نژاد مخصوص که در مسابقه ها و نمایشگاه های امروز از حیث تناسب و حسن اندام قابل بردن جایزه هستند. حیوانات کمیاب دیگر هم دیده میشود. مثلاً شیری ماده با چند بچه شیر و بز کوهی و زرافه که مردم حبشه و یونان از حدود تنگه عدن تقدیم کرده اند. هر قومی گذشته از حیوانات موظف بود که نمونه از لباس ملی خود را عرضه بدارد و ظروف و اوانی که ظاهراً حاوی چیزی هم بوده اند به حضرت بفرستد. این ظروف علی الظاهر از طلا بوده و صنعتگران هخامنشی دقت تام و هنرمندی کامل خود را در آن ها بخرج داده اند.

نقوش تخت جمشید نه از حیث تصور موضوعات و نه از لحاظ اصل کلی تزیینات و ترتیب صفوف ممتد که استحکام و انسجام کامل صنعت معماری از آن ظاهر است و نه از لحاظ دقایق و تفصیل جزئیات و شکوه و وقار رسمی که در آن ها پیداست ابدأ شباهتی با آثار یونانی ندارد و از تاثیر صنایع آن ملت که گاهی در اباحت متبعین دیده میشود بهیچوجه حکایت نمی کند. صنعت تخت جمشید را اگر بخواهیم در يك عبارت تعریف کنیم باید بگوئیم: « آخرین تجلی صنایع و فنون ظریفه شرق باستانی که بصورت رسمی در آمده و نظیر صنعت امپراطوری است ۱۰۱ » شکوه و شوکت تخت جمشید از زبانه آتشی که اسکندر کبیر بر انگیخت فرو-

۱ — در تاریخ صنایع اروپا صنعت امپراطوری سبکی را گویند که بعد از انقلاب کبیر فرانسه نظر باطلاع کامل تری که از آثار عتیقه کسب شد متداول گردید اشیاء صنعتی سادگی و استقامت و ابهت خاصی پیدا کردند و تزیینات مقتبسه از زبان

ریخت. قصه آتش افکندن اسکندر در قصر یروسیولیس اگرچه در روایات افسانه مانند قدیم از قبیل احوال اسکندر تالیف یلو تارخس مذکور شده است، لکن وقوع حریق کاملاً محقق است، در همه جای عمارت يك طبقه زغال و مواد نیم سوخته زمین را پوشانیده است. این طبقه از سوختن جوبهای سدری است که سقف ها را با آن پوشانیده بودند، بعد از خرابی سقف دیوارهای آجری هم که غیر از حاشیه کاشی کاری طولانی در زیر کنگره ها زینتی نداشته فرو ریخته و طبعاً قسمت های بالاتر زودتر بریز آمده است. با جمع آوری هزاران قطعه آجری که کشف شده میتوان نقشه افریزها و طرز کاشی کاری را معلوم نمود. در میان آنها کتیبه ایست بنام خسار پاشا. بعدها بقیه دیوارها فرو ریخته و تمام سکو در زیر تل خاک بی ارتفاع هفت متر مستور شده است. واقعاً برای حفظ آن آثار هیچ وسیله و طریقه بهتر از اینکه روزگار فراهم کرده نمیتوان اندیشید. امروز نقوشی که در زیر این آوار بزرگ مانده است بعد از بیست و پنج قرن با بهترین و سالمترین وضعی چهره نمائی می کنند.»

کتاب

خانه خانه نیست مگر اینکه در آن خوراك و حرارت برای جسم و روح باشد۔

اسلی

هنگام مطالعه طرف صحبت من فقط علما و عقلا هستند ولی در خارج اجتناب از حقاء محالست

والر

بدترین دزد ها کتاب بد است۔

مطالعه کتاب خوب۔

بعضی کتب را باید چشید، برخی دیگر را باید باعید، قلیلی را نیز باید جوید و هضم کرد۔

بیکن

کسی که کتب زیادی نمی خواند ولی آنچه مطالعه می کند کتب خوب و مفید است، عاقلتر از آنست که بنظر می آید

و روم آرایش گرفتند. چون ناپولئون کبیر این ارتجاع صنعتی را پسندید و پیشرفت داد آنرا سبک امپراطوری نام نهادند. از این جهت استاد هر تسفلد صنعت تخت جمشید را که خلاصه فنون قدیمه مشرق زمین و مطلوب دربار شاهنشاهی ایران در عهد هخامنشی است بسبک امپراطوری مطلوب ناپولئون تشبیه کرده است.